

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی گرافیک: حمید یزدانی
صفحه آرای: امید روشنگر، سعید غفوری
ویرایش عکس: مرجان عبداللهیان، محمد قاسمی
صفحه خوانی و حروفچینی: همکاران واحد فنی تحریریه

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۶۱۷
نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروز نوین

گروه ضماضم همشهری ناشر نشریات:

دوچرخه، بهانه، خانواده، پایداری، اقتصاد، تندرستی،
خردنامه، داستان، دانستنیها، ماه، سرزمین من، معماری،
۲۴، شهرنگار، سرخ و محله
نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، تر سیده به پارکوی،
کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

نسیه و نقد

نامهربانی
حرفه ماست



خسرو دهقان

۱ اما نقد فیلم، جوهر نقد فیلم برخوردارند است. نوعی حرف تند و نیش دار حاکی از نارضایتی، به یک معنا پر خاش و اعتراض، نقد در اصل و ذات خود، چیز دلپذیر و شیرینی نیست. در گام اول وارد مبحث نقد منصفانه و سازنده شدن بی معنی است و مشکلی را حل نمی کند، جز آنکه مسئولیتی را بر دوش نقد می گذاریم که از عهده و وظیفه اش خارج است. برای رسیدن به تقسیم ها و شاخه ها و شعبه های خود نقد باید مسیرهای زیادی پیموده شود. نقد نمی تواند ابتدا به ساکن متوازن، موزون، معقول و منصف باشد. در جوهره نقد تلخی ای است که با هیچ عسل، شیرینی و مربایی، طعم مطبوعی نمی گیرد. با هر روش و هر شکل که بیان شود، نقد به افراد، چیزها و اهالی مکان ها یا سیستم ها بر می خورد و باعث عکس العمل می شود، تمام دعواها بر سر همین ذات بنیانی نقد است.

۲ بانمک ترین وجه قضیه در این است که در نقد نخستین کسی که شکیبایی نمی کند، منتقد کنار دست و دیوار به دیوار نویسنده نقد است. در حالی که پرده اول تراژدی به تحمل ناپذیری منتقد بر می گردد که دیگران هم حق دارند از خود در قبال نقد ناشکیبایی نشان دهند، ملاحظا صاحب اثر، در این میان صاحب اثر به نوعی حق دارد ناشکیبایی باشد و نقد را تحمل نکند. راه حل چیست؟ راه علاج تنها تحمل است، تحمل به معنای پذیرش نقد فیلم نیست، به معنای دوست داشتن نقدی که از فیلم شده نیست، به معنای همسو بودن با منتقد هم نیست. خودمانی تر بگویم، باید تحمل فحش و کتک خوردن را داشته باشیم. به معنای دقیق کلمه تحمل باید کرد.

۳ نقد فیلم در این سرزمین بیشتر مایه نفرین بوده تا ستایش و تحسین. کلان تر اگر ببینیم ما اصلا نقد را در هیچ حوزه ای دوست نداریم، واقعیت این است که نقد در جامعه ایرانی از گذشته تا امروز جایگاه مهمی نداشته است و یا به عبارت بهتر به دلیل نداشتن روحیه نقد پذیری در جامعه ما اساسا نقد جایگاهی نداشته. تجربه نشان داده کوچکترین انتقاد را بر نمی تابیم و باید بگویم در سینما هم همینطور است. «منتقد محبوب» از آن تر کیب هایی است که به سختی می شود برایش مصداق یافت. منتقد چگونه می تواند محبوب القلوب شود؟ کسی که در تاریکی سالن به پرده خیره شده و احوانا گوشه ای یادداشت برمی دارد تا فیلم روی پرده را نقد و تحلیل کند، آدم تنهایی است. این تنهایی را فقط خواننده نقد می تواند پر کند و خواننده نقد اگر صاحب اثر باشد و نقد هم منفی حساب روشن است. سال ها پیش نوشته ام و تکرارش خالی از لطف نیست: حرفه ما نامهربانی است. همین است و کاریش هم نمی شود کرد.



امیر سیدزاده، تهیه کننده فیلم «داد»:

«داد»

فیلمی قصه گوست

در کارنامه شما در مقام تهیه کننده ۲ نوع فیلم دیده می شود؛ یکی فیلم های کوچک با بازیگران کمتر نام آشنا مثل «سه ونیم»، «باسیو» و «آمین خواهیم گفت» و دیگری فیلم هایی با حضور ستاره ها و بازیگران مشهور مثل «مادر قلب اتمی»، «سهیلا شماره ۱۷» و «زندگی جای دیگری است». با توجه به سابقه آقای جلیلی می شود گفت که فیلم ایشان به هیچ کدام از این دو نوع فیلمی که شما تهیه کرده اید، ربطی ندارد. چطور شد تهیه کنندگی این فیلم را انجام دادید؟

آقای جلیلی به عنوان کارگردان بیشتر توان خودش را در رابطه با جوانان و نوجوانان صرف کرده؛ یعنی اگر دقت کنید بیشتر فیلم های ایشان مربوط به جوانان و نوجوانان زیر سن بلوغ یا حداکثر سن بلوغ است و به مشکلات و مسائل آسیب شناسی این نسل می پردازد. با توجه به اینکه قصه ایشان در ادامه کارهای قبلی اش بیابانگر نوعی آسیب شناسی نسل جوانی است که به هر دلیلی به مشکلات می خورند و گرفتار کانون و زندان می شوند و واکاوی و روانشناسی خاصی از دلایل این مشکلات برای نسل جوان ارائه می کرد و خود قصه هم در فیلمنامه تم وفای به عهد داشت، راغب شدم که با ایشان کار کنم. البته تفاوت بزرگ این فیلم با فیلم های قبلی آقای جلیلی در این است که فیلم های قبلی ایشان بیشتر روایت مستند گونه داشت، ولی این فیلم بیشتر روایت داستانی دارد.

در دوره ای که فقط فیلم های کم دی و بعضی درام هایی که باز یگران مشهور دارند در گیشه می فروشند و اصلا به فیلم هایی از جنس فیلم های آقای جلیلی اکران نمی رسد و سینما داران تمایلی به اکران این نوع فیلم ها ندارند، شما که گویا به عنوان تهیه کننده بخش خصوصی روی این فیلم

سر مایه گذاری کرده اید، نگرانی ای بابت بازگشت سر مایه تان نداشتید؟ یکی از اهداف هر تهیه کننده و سرمایه گذاری بازگشت سرمایه اش است. مادر باره آقای جلیلی چنین نگرانی ای داشتیم، اما به دلیل اینکه هزینه سرمایه گذاری فیلم معقول و منطقی بود، تصمیم به ساخت این فیلم گرفتیم. ببینید شما الان اگر بخواهید یک فیلم سینمایی در ژانر کمدی یا درام اجتماعی بسازید، هزینه ها از ۱۵ میلیارد تومان شروع می شود به بالا، ولی چون این فیلم هزینه تقریبا معقولی داشت، ما زیاد از این بابت نگرانی نداشتیم؛ ضمن اینکه صحبت مان با آقای جلیلی این بود که فیلمی بسازیم که هم مقبول مخاطب داخلی باشد؛ به عنوان فیلمی هنری که بهره ای از چهره های سرشناس نبرده و هم در جشنواره های جهانی حضور پیدا کند و با توجه به اینکه در ژاپن و فرانسه آثار آقای جلیلی را می شناسند، بتواند اکران احتمالی در آنجا را به دست بیاورد. با توجه به این نکات سعی کردیم ریسک سرمایه گذاری را بپذیریم و نگرانی ای از این بابت نداشته باشیم.

آقای جلیلی بیشتر کارهای فیلم از جمله فیلمبرداری، تدوین و طراحی صحنه و لباس را خودش انجام داده است. احتمالا برای نخستین بار بود که شما با چنین کارگردانی کار می کردید که همه کارهای فیلمش را خودش انجام می دهد و در واقع یک فیلمساز یک نفره است. بدهستان تان با آقای جلیلی چه جوری بود؟

فضایی که قصه در آن می گذرد، از قبل توسط آقای جلیلی طراحی و مشخص شده بود. من هم به عنوان کسی که اعتماد کامل به ایشان داشتم، به ایشان گفتم دست شما را در ساخت فیلم بازمی گذارم و شما به عنوان کارگردان فیلم بدون هیچ محدودیتی برو فیلمت را بساز

ناصر احدی

«داد» ساخته ابوالفضل جلیلی فیلمی است که به سیاق کاری کارگردانش شیوه تولید خاص خودش را داشته است. جلیلی، علاوه بر کارگردانی فیلم، چند کار مهم دیگر فیلم را هم خودش بر عهده داشته و تولید فیلم هم بیش از ۲ سال طول کشیده است. جایگاه تهیه کننده در چنین فیلمی که روند تولیدش با اغلب فیلم های بدنه سینما متفاوت است، کجاست؟ با امیر سیدزاده که همراه جلیلی «داد» را تهیه کرده در این باره صحبت کرده ایم.

و بیا بگذار روی می تدوین؛ یعنی در حقیقت ما با این دیالوگ با ایشان وارد کار شدیم. ما سال ۱۴۰۰، در دوران بعد از کرونا، با ایشان قرارداد بستیم که سینما چندان رونق نداشت؛ ضمن اینکه هزینه های تولید هم داشت به شدت افزایش پیدا می کرد. ایشان رفت و بالاخره با تلاش مضاعفی در طول ۲ سال و خرده ای زحمت توانست فیلم را بسازد و نهایی کند.

چرا تولید فیلم این قدر طول کشید؟ آقای جلیلی دلایل خودش را داشت. می گفت باید لحظه ها را شکار کنم و برای پیوستگی صحنه ها منتظر فصل و ماه می شوم؛ ضمن اینکه بالا رفتن هزینه های تولید هم مانعی بر سر راه تولید فیلم بود.

مگر شما به عنوان تهیه کننده هزینه های تولید را تأمین نمی کردید؟

قرارداد اولیه ما با آقای جلیلی مبلغی بود که بعد از ۶-۷ ماه ایشان آمدند و گفتند هزینه ها بیشتر شده و از خودشان و بقیه برای فیلم خرج کرده اند و ما هم برای قراردادشان اصلاحیه زدیم.

نام آقای جلیلی به عنوان تهیه کننده فیلم هم اعلام شده است.

پروانه ساخت فیلم به نام من است، ولی ایشان تقاضا کرد که نامشان به عنوان تهیه کننده بخورد که ما هم تمیعت با دفتر جشنواره هم هماهنگ کردیم و در فرم های مربوط به جشنواره تمامی موارد مربوط به مالکیت و سهم تهیه کننده ها توضیح داده شده است.

با توجه به اینکه فیلم شما باز یگر چهره هم ندارد، استقبال از آن را در جشنواره چطور پیش بینی می کنید؟ این فیلم قصه گوست و فکر می کنم مخاطب پس نزنند و ببینند قصه را. احتمالا منتقدان هم از فیلم استقبال خواهند کرد.

عکس نوشت

آخرین جشنواره علی حاتمی

● علی حاتمی در دهمین جشنواره فیلم فجر در سال ۱۳۷۰ بعد از نمایش فیلم دلشدگان در سینمای مطبوعات. دلشدگان آخرین ساخته علی حاتمی در چهار بخش صداپردازی، صداگذاری، طراحی صحنه و لباس و موسیقی از سوی هیات داوران نامزد شد. اما در شب اختتامیه بهروز افخمی، رسول ملاقلی پور، خسرو سینایی، فرهاد صبا و پرویز مقدم دلشدگان را در هیچ رشته ای برنده اعلام نکرد.

عکس: همشهری / عطاالله طاهر کناره



خبر آخر

برگزیدگان بخش مسابقه تبلیغات سینمای ایران

برگزیدگان بخش مسابقه تبلیغات سینمای ایران در آیین افتتاحیه چهل و سومین جشنواره فیلم فجر معرفی شدند. ● سمیرغ بلورین بهترین آئونس - قدیر حمزه امامچای برای فیلم «روشن» ● سمیرغ بلورین بهترین پوستر - محمد روح الامینی برای فیلم «در آغوش درخت» ● سمیرغ بلورین بهترین مجموعه عکس - حسن شجاع کنی برای فیلم «برفای آخر»